

معلم و دانش آموزان مدرسه ابتدایی محله کشاورز، رودخانه طرقد را از زباله پاک سازی کردند

## کار تمیز بچه های «عجب شیر»



راه تجربه

حمید آقامی گوید: ما آنجا زباله ای پیدا کردیم که تاریخ تولیدش ۱۳۸۹ بود. در صورتی که بچه های کلاس متولد ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ هستند. آنجا بچه ها خوب فهمیدند که زباله در طبیعت از بین نمی رود و تا سال های سال محیط را آلوده می کند.

### ● بی انصافی آدم های بی فکر

محمدر روشنایی، یکی از بچه هایی که در پاک سازی طبیعت کمک کرده است، می گوید: خالم خیلی خوب بود از اینکه مشغول پاک سازی طبیعت هستیم. این کار ما برای گیاهان و حیوانات که آنجا زندگی می کنند، خیلی مفید است. به نظر من، هر کسی که در طبیعت زباله می ریزد، کارش خیلی زشت است؛ مثلاً در همان روز پاک سازی حتی کفش و جوراب پیدا کردیم.

ما زیار نیشابوری، هم کلاسی دیگر، از پاک سازی رودخانه خوشحال است و درباره این تجربه می گوید: کلی پوست چیپس و پفک از بین سنگ های کف رودخانه در آوردم. وقتی کار تمام شد، یک منظره قشنگ جلو چشممان بود که می شد در هوا بپاش راحت نفس بکشیم. او این رفتار بعضی آدم ها را عجیب می داند و می گوید: با خودشان چه فکری می کنند؛ طبیعت شهر داری ندارد که بیایند و زباله ها را جمع کنند! هر کسی در طبیعت مسئول زباله های خودش است و باید آن ها را جمع کند و به سطل زباله بیندازد.

محمد صید محمد خانی نوجوان دیگر هم از اینکه به طبیعت رفتند و توانستند حداقل همان محدوده اطرافشان را پاک سازی کنند، خیلی خوشحال است. او می گوید: دلم می خواهد باز هم برای پاک سازی به طبیعت بروم.

### ● زباله هایی با قدمت ۱۵ سال!

از نظرا و حتی آدم هایی که از آن ها اصلاً انتظار نمی رود، گاهی کارهای عجیبی می کنند؛ مثلاً اینکه زباله هایشان در طبیعت را جمع و جور می کنند و در کیسه ای کنار و گوشه می گذارند؛ آخر مگر طبیعت، شهر است که ساعت ۹ شب ماشین شهرداری بیاید و زباله هایشان را جمع کند؟

با همین نگاه بوده است که او وقتی سوم خرداد، همراه دانش آموزانش به اردوگاه آموزش و پرورش در طرقد می رود، نیت می کنند دسته جمعی مسیری از رودخانه نزدیک اردوگاه را از زباله ها پاک کنند. حمید آقا چند کیسه زباله به دست می گیرد و از دوازده دانش آموز همراهش می خواهد برای پاک سازی رودخانه کمکش کنند. بچه ها هم هر کدام تکه چوبی به دست می گیرند و با کمک آن، زباله ها را جمع می کنند. ماحصل چند ساعت فعالیت آن ها می شود سه کیسه زباله بزرگ و مسیر پانصد متری رودخانه که عاری از آلودگی و زباله است.



عطایی، یک کار خوب آن هم بادستان کوچک چند دانش آموز دبستانی. قصه از آنجا شروع شد که معلمی دغدغه مند در حاشیه اردویی دانش آموزی نیت کرد با کمک بچه ها رودخانه نزدیک اردوگاه را از زباله ها پاک کنند؛ یک اقدام عملی که پراز نکات آموزشی است. سوم خرداد، دوازده تن از دانش آموزان ابتدایی مدرسه عجب شیر محله کشاورز آستین بالا زدند و همراه معلمشان در این کار خوب مشارکت کردند.

### ● معلم عاشق طبیعت

حمید غلام رضا پور طرقدی، ۹ ساله است که در آموزش و پرورش خدمت می کند و دو سالی می شود که در مدرسه عجب شیر محله کشاورز معلم دانش آموزان ابتدایی است. کارشناسی زمین شناسی و کارشناسی ارشد آموزش و پرورش ابتدایی دارد. شاید به خاطر تحصیل در همین رشته زمین شناسی بوده که علاقه مند به محیط زیست و نگهداری از آن است. او می گوید: عاشق طبیعت هستم و همیشه وقت های خالی ام را به طبیعت گردی اختصاص می دهم.

در همین طبیعت گردی هایش بوده که پاک سازی محیط زیست یکی از بزرگ ترین دغدغه هایش می شود؛ «مردم می روند از طبیعت و زیبایی هایش استفاده می کنند؛ اما بیای بی انصافی زباله هایشان را آنجا می ریزند و بر می گردند. دیدن منظره های پر از زباله برایم سخت و دردناک است. حقیقت این است که تنها چیزی که در طبیعت بر جای می گذاریم، رد پایمان است و آنچه برمی داریم، عکس یادگاری است.»

نوجوان محله شهید آوینی به تازگی موفق به کسب مدال برنز در مسابقات کشوری جودو شده است

## گام بلند در نخستین رقابت



رفتم. آنجا هم جدی تمرین کردم و موفق شدم چند مدال استانی بگیرم.

### ● و جودو انتخاب بعدی ات بود؟

بله. یکی از دوستانم بعد از مدرسه به سالن استاد اصغر دهقان در خیابان شهید آوینی می رفت. همیشه از کلاس های جودو و فضای صمیمی آنجا تعریف می کرد. یک روز با او رفتم تا از نزدیک فضا را ببینم و همان جلسه اول، هم جذب فضای کلاس شدم و هم عاشق جودو. همان جا تصمیم گرفتم این رشته را جدی دنبال کنم.

### ● بهترین دستاوردت در این مدت چیست؟

ماه گذشته در مسابقات کشوری جودو دفاع شخصی در دره سنی نو جوانان و جوانان موفق شدم مدال سوم را



نیکو عقیده همان طور که روی تاتامی بی هیچ تردیدی برای حمله یا دفاع تصمیم می گیرد، در گفت و گو هم محکم و مطمئن صحبت می کند. سمیرا مقنی، دختر هفده ساله ای که تنها سه ماه از ورودش به دنیای جودو می گذرد، با چنان انگیزه و علاقه ای از مسیروش حرف می زند که انگار سال هاست در این راه قدم برداشته.

از کودکی دل در گرو ورزش های رزمی داشته و حالا جودو برایش چیزی بیشتر از یک رشته ورزشی است؛ مسیری است که تصمیم دارد تا آنجا که امکانش باشد در آن بماند. سمیرا به تازگی در اولین تجربه اش، مدال سومی مسابقات کشوری جودو و دفاع شخصی در دره نو جوانان و جوانان را به دست آورده است.

### ● چه زمانی متوجه شدی به ورزش علاقه داری؟

از کودکی عاشق ورزش بودم. تاجایی که یادم می آید، مدام از در و دیوار بالا می رفتم و یک جابند نمی شدم. مادرم وقتی دید انرژی زیادی دارم، من را در کلاس ژیمناستیک ثبت نام کرد. چند سالی در این رشته ماندم و بدنم به خاطر تمرینات آن دوره، انعطاف زیادی پیدا کرد.

### ● چه شد که از ژیمناستیک به سمت ورزش های رزمی رفتی؟

همیشه عاشق فیلم های هیجانی و رزمی بودم. احساس می کردم این فضا بیشتر با روحیه ام سازگار است. بعد از چند سال ژیمناستیک، به کلاس تکواندو

کسب کنم. این مدال برایم خیلی ارزش دارد؛ چون نه تنها اولین مدالم در جودو بود، بلکه در سطح کشوری و در رقابتی جدی به دست آمد.

### ● خانواده ات چطور با مسیرت همراه شدند؟

در خانواده ما کسی به طور حرفه ای ورزش نکرده، اما ز همان ابتدا اکاملا از من حمایت کردند. وقتی دیدند جدی هستم و با علاقه تمرین می کنم، پشتم ایستادند و هزینه های مسابقه و لباس را پرداخت کردند.

### ● دوستانت در کلاس ورزشی تو را چطور می شناسند؟

رابطه مادر کلاس جودو خیلی صمیمی است. مثل یک خانواده هستیم. بچه ها من را به عنوان فردی حامی می شناسند. سعی کرده ام فقط به خودم فکر نکنم. اگر حین تمرین به نکته ای برسم، حتماً با دیگران در میان می گذارم. دلم می خواهد همه مان کنار هم پیشرفت کنیم.

### ● فکر می کنی ضعفی هم داری؟

در حالت عادی خیلی صبورم و معمولاً روی احساساتم کنترل دارم. اما اگر عصبانی شوم، دیگر آن کنترل را ندارم. بچه ها گاهی از همین موضوع به من گلایه می کنند.

### ● هدف و آرزویت در این ورزش چیست؟

همیشه دلم می خواهد چیزهایی را که یاد گرفته ام، به بقیه آموزش بدهم. فکر می کنم استعداد خوبی در این زمینه دارم. دلم می خواهد یک روز یکی از استادان مطرح این رشته شوم.